

یک قدم تا خدا

پژوهشی دینی - فلسفی در بیان
ارتباط خودشناسی و خداشناسی

محمد صالح طیب‌نیا

فهرست مطالب

۱	 مقدمه
۷	 فصل اول - «تاریخچه و اهمیت خودشناسی»
۹	 ۱-۱ تاریخ فلسفه و شناخت «نفس»
۹	 مقدمه
۱۰	 ۱-۱-۱ پیدایش نفس و تجرد آن
۱۲	 دانشمندان عصر جدید و مسأله‌ی تجرد نفس
۱۷	 ۱-۱-۲ نفس در فلسفه‌ی اسلامی
۱۸	 - ابن سینا و شناخت نفس
۱۹	 - ملاصدرا و شناخت نفس
۲۲	 ۱-۱-۳ بقاء نفس
۲۴	 ۱-۱-۴ آرای حکما در باب پیدایش و بقای نفس
۲۸	 - مؤیدات نظریه‌ی «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء»
۳۰	 - نظریه‌ی ملاصدرا و مشکل خلقت ارواح قبل از پیدایش ابدان
۳۶	 ۲-۱ روان شناسی جدید و علم النفس
۳۹	 - بحران در انسان‌شناسی معاصر
۴۲	 ۳-۱ ادیان و شناخت «خویشتن»
۴۶	 - راز اهمیت خودشناسی در ادیان
۵۵	 فصل دوم - حقیقت «خویشتن»
۶۱	 ۱-۲ نفس
۶۱	 ۱-۱-۲ اقوال دانشمندان در حقیقت نفس
۶۳	 ۲-۱-۲ معنای نفس در قرآن کریم

(الف)

۳-۱-۲ تعریف نفس از دیدگاه حکما	۶۵
۴-۱-۲ مراتب نفس	۶۷
- بدن مرتبه‌ی نازله‌ی نفس	۶۸
۲-۲ روح	۷۵
۱-۲-۲ اقوال مختلف در باب روح	۷۶
۲-۲-۲ استعمالات «روح» در قرآن کریم	۷۷
۳-۲-۲ حقیقت معنای «روح» در قرآن	۷۹
۴-۲-۲ مراتب روح	۸۳
- نتیجه‌گیری	۸۹
۳-۲ عقل	۹۵
۱-۳-۲ اقوال مختلف در باب عقل	۹۵
۲-۳-۲ استعمالات عقل در قرآن کریم	۹۶
۴-۲ قلب	۱۰۴
۱-۴-۲ اقوال مختلف در باب قلب (دل)	۱۰۴
۲-۴-۲ وظیفه‌ی اصلی قلب	۱۱۳
۵-۲ «من» حقیقی	۱۱۹
فصل سوم - «خودآگاهی»	
۱-۳ اقسام خودآگاهی	۱۲۵
۱-۱-۳ خودآگاهی وجودی (فطری)	۱۲۶
۲-۱-۳ خودآگاهی فلسفی	۱۲۷
۳-۱-۳ خودآگاهی جهانی (بیرونی)	۱۲۸
۴-۱-۳ خودآگاهی اجتماعی	۱۲۹
۵-۱-۳ خودآگاهی عرفانی	۱۲۹

۱۳۱	 خودآگاهی دینی
۱۳۷	 امتیازات خودآگاهی دینی
۱۳۹	 ۲-۳ دلایل امکان خودشناسی
۱۴۰	 ۱-۲-۳ ادله‌ی منکرین امکان خودشناسی و رد آن
۱۴۴	 ابطال نظریه‌ی «تعطیل» و «الهیات سلبی»
۱۴۷	 ۲-۲-۳ امکان «خودشناسی» نیاز به برهان و اثبات ندارد

فصل چهارم - «روش خودشناسی» ۱۴۹

۱۵۱	 ۱-۴ اقسام شناخت
۱۵۲	 ۱-۱-۴ شناخت حسی
۱۵۳	 - ویژگی‌های شناخت حسی
۱۵۴	 ۲-۱-۴ شناخت عقلی
۱۵۵	 - ویژگی‌های شناخت عقلی
۱۵۷	 ۳-۱-۴ شناخت قلبی
۱۵۹	 - علم حضوری و حصولی
۱۶۲	 - ملاک علم حضوری
۱۶۵	 - شبهه‌هایی درباره‌ی علم حضوری و پاسخ آن
۱۶۹	 - روان ناخودآگاه
۱۷۴	 - دیدگاه قرآن درباره‌ی انواع شناخت
۱۷۷	 ۴-۱-۴ شناخت وحیانی
۱۷۸	 - کلمه‌ی «وحی» و استعمال آن در قرآن
۱۸۲	 - کیفیت نزول وحی
۱۸۵	 - تفاوت شناخت وحیانی با شناخت قلبی
۱۸۷	 - شناخت وحیانی، جامع تمام شناخت‌های دیگر است

(ج)

۱۹۱	 ۲-۴ شیوه‌ی خودشناسی
۱۹۱	 ۱-۲-۴ آیا اسلام دیدگاه خاصی در باب «روش خودشناسی» دارد؟
۱۹۶	 ۲-۲-۴ هدف از خودشناسی
۱۹۸	 ۳-۲-۴ روش خودشناسی از نظر اسلام
۲۰۴	 ۴-۲-۴ روش‌های آفاقی و انفسی و شناخت مراتب نفس
۲۰۷	 ۵-۲-۴ ما حاصل و مرور

فصل پنجم - «خدا در آینه‌ی خودآگاهی» ۲۰۹

۲۱۱	 ۱-۵ «خودشناسی» مقدمه‌ی اجتناب‌ناپذیر «خداشناسی»
۲۱۳	 ۱-۱-۵ خودشناسی شرط لازم هرگونه شناخت
۲۱۴	 ۲-۱-۵ انسان مظهر اسم اعظم «الله»
۲۱۷	 - حقیقت اسماء و صفات الهی
۲۲۹	 ۳-۱-۵ معرفت نفس یا روش «خدا را به خدا شناختن»
۲۳۴	 - شناخت حقیقی از آن باطن است نه ظاهر
۲۴۴	 - خداوند متعال، نور مطلق و ظاهر مطلق
۲۵۶	 ۲-۵ چگونگی وصول از خودشناسی به خداشناسی
۲۶۱	 ۱-۲-۵ از خودشناسی تا خداشناسی
۲۶۳	 - پلکان صعود
۲۷۹	 ۲-۲-۵ حقیقت شناخت خویشتن
۲۸۷	 ۳-۵ نفس آینه‌ی شناخت خدا
۲۸۸	 ۱-۳-۵ اثبات وجود پروردگار
۲۸۹	 ۲-۳-۵ صفات خداوند
۲۸۹	 - وحدانیت
۲۹۱	 - ازلیت

۲۹۱ - ابدیت

۲۹۲ - علم

۲۹۲ - قدرت

۲۹۳ - حیات

۲۹۳ - اراده

۲۹۳ - قیومیت

۲۹۴ - رحمت

۲۹۴ - حکمت

۲۹۴ - تکلم

۲۹۵ - سمع و بصر

۲۹۵ - صفات سلبی خداوند

۲۹۷ ۳-۳-۵ ارتباط خداوند متعال با مخلوقات

۳۰۱ - سخن آخر

۳۰۷ - کتابنامه

مقدمه

کمر موضوعی است که بعد از شناخت پروردگار عالم به اندازه‌ی «خودشناسی» مورد تأکید ادیان الهی، حکیمان، عارفان و فرزندگان قرار گرفته، تا جایی که بسیاری از اندیشمندان کتاب‌ها و رساله‌های مستقلی در این باب نگاشته و به طور مبسوط بدان پرداخته‌اند. در آیات و روایات اسلامی نیز تأکید فراوانی بر شناخت خویش شده است، به گونه‌ای که آن را «بهترین دانش‌ها»^(۱) دانسته است.

آنچه که در مبحث شناخت خویش اهمیت فوق العاده‌ای دارد، آن است که هدف خودشناسی چیست و برای چه می‌بایست به خودشناسی پرداخت؟ به تعبیر دیگر راز و اهمیت خودشناسی در چیست؟ و چرا این مقدار مورد تأکید قرار گرفته است؟ از بررسی آیات و روایات و همچنین کلمات بزرگان از فلاسفه و عرفا، به دست می‌آید که سرانجام «خودشناسی»، خداشناسی است و نزدیک‌ترین و بهترین راهی که ما را به شناخت خداوند متعال و لقاء او می‌رساند، معرفت النفس است.

از این رو، اگر انسانی تمام تلاش خویش را به کار گیرد تا به معرفت نفس نایل گردد، نه تنها چیزی را از دست نداده، بلکه به والاترین درجه‌ی کمال و هدف خلقت خویش دست یافته است.

علی‌رغم کتاب‌ها و مقالات بسیاری که در تبیین اهمیت خودشناسی و همچنین ارتباط و پیوند میان خودشناسی با خداشناسی نگاشته شده است، اما کسی که به مطالعه و

(۱) «معرفة النفس أنفع المعارف» عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۲

پژوهش در خصوص این امر مهم می‌پردازد، خود را با سؤالات بسیاری مواجه می‌بیند که اولاً برای پاسخ‌یابی، تحقیق بیشتر و ژرفی را می‌طلبد و ثانیاً پاسخ خود را در بیشتر این کتاب‌ها و نوشته‌های موجود به روشنی نمی‌یابد.

۱- اولین پرسشی که قابل طرح است، این که مراد از «خود» که شناختنی بودن آن ادعا شده است، چیست؟ اگر عقیده یا فرض بر این باشد که انسان تک‌ساحتی است و چیزی غیر از بدن نیست، آیا «خود» همان بدن ظاهر و پیدا است؟ و در فرض این که انسان را دارای چندین ساحت وجودی بدانیم، آیا لزوماً باید «خود» او را مجموع همه‌ی آن ساحت‌ها بینگاریم، یا می‌توانیم فقط بعضی یا حتی یکی از آن‌ها را «خود» او قلمداد کنیم و سایر ساحت‌ها را در «خود» او دخیل ندانیم؟

مفاهیمی چون «نفس»، «روح»، «عقل» و «قلب» همگی حکایت از حقیقت وجود انسان می‌کنند. آیا این‌ها همگی یک ما به ازاء دارند و یا اگر مفاهیم مختلفند، چه تفاوتی در میانشان است؟

در نظر آوریم دیدگاه افلاطونی را که در عین این که برای انسان دو ساحت «نفس» و «بدن» قائل است، اما نفس را چیزی می‌پندارد که می‌تواند مستقل از بدن وجود داشته باشد، بلکه کمال او را در مجرد از بدن می‌داند. در این دیدگاه «خود» آدمی، همان نفس است و بدن در این میان شأنی ندارد.

۲- سؤال دیگری که به ذهن انسان خطور می‌کند، این که برآستی منظور از خودشناسی چیست؟ تمام انبیاء، بزرگان از عرفا و غالب حکماء و فیلسوفان و حتی بسیاری از روشنفکران دعوت به خودشناسی نموده‌اند، اما هر کدام قصد و منظور خاصی از خودشناسی ارائه نموده‌اند. بدیهی است برای کسی که طالب خودآگاهی و شناخت حقیقت وجود خویش است، شناخت اقسام خودآگاهی و تعیین آن قسم از خودشناسی که بتوان به واسطه‌ی آن به سرانجام خودشناسی راه یافت، امری ضروری است.

در میان مدعیان، کدام یک کامل‌ترین خودآگاهی را ارائه کرده و کدام یک آزمایش خویش را در بستر تاریخ بهتر از دیگران پس داده‌اند؟

۳- چه دلیلی هست بر اینکه «خود» قابل شناخت است؟

علامه طباطبایی از بعضی از علماء نقل می‌کنند که خودشناسی امری محال است، هر چند خود ایشان این استحاله را مردود می‌دانند.

۴- به چه روشی می‌توان «خود» را شناخت؟ و در میان روش‌های نظری کدام یک کارآمد است: روش تجربی و علمی یا عقلی و فلسفی یا نقلی و تاریخی یا روش مبتنی بر شهود و یا روش مبتنی بر الهیات و حیانی؟

و به تعبیر دیگر آیا «خود» را به شیوه‌ی انفسی بهتر می‌توان شناخت یا به شیوه‌ی آفاقی و یا با تلفیقی از این دو؟ و یا به طریقه‌ی چهارمی؟

۵- سؤال اساسی دیگری که در اینجا مطرح است، این که چرا خودشناسی راه رسیدن به خداشناسی است؟ آیا از این رو که خودشناسی، شرط شناخت هر امر دیگری است یا از آن رو که آفرینش آدمی به صورت خدا ساخته شده است و یا...؟ و در فرض این که خودشناسی راه رسیدن به خداشناسی باشد، چگونه می‌توان از خودشناسی به خداشناسی رسید؟

انگیزه‌ی نگارنده از انتخاب این موضوع، این بوده که در حد بضاعت ناچیز خود، به صورت روشن و قابل فهم و به دور از کلی‌گویی و مبهم‌نویسی به پرسش‌های فوق پاسخ مناسب دهد.

از این رو در فصل اول به بیان اهمیت و تاریخچه معرفت النفس پرداخته و آن را از سه منظر فلسفه، روان‌شناسی جدید و ادیان مورد بررسی قرار داده‌ایم.

در فصل دوم تحت عنوان «حقیقت خویششن» به بررسی واژه‌های «نفس»، «روح»، «عقل» و «قلب» پرداخته و تلاش نموده‌ایم در حد امکان اشتراکات و تفاوت‌های ظریفی

را که میان این الفاظ است، بیان نماییم و به این نکته دست یافتیم که انسان حقیقتی ذومراتب است که از عالم امر تا به عالم خلق گسترش و امتداد وجودی دارد. «روح» بیان گر وجهی امری اوست و «نفس» حاکی از وجهی خلقی اش. نفس نیز دارای مراتبی است: مراتب مادون آن نفس نباتی و حیوانی و مرتبه‌ی مافوق آن قلب است، همان گوهر نورانی که حد واسطه‌ی روح و نفس حیوانی است. از این رو چراغ هدایت انسانی که عقل نام دارد، در دست اوست و می‌تواند انسان را از حصار ماده آزاد کرده و به بوستان ملکوت رهنمون سازد.

در فصل سوم در ابتدا به بررسی اقسام خودشناسی پرداخته و تفاوت‌هایی را که میان آن‌ها وجود دارد، بیان نموده‌ایم و خودشناسی دینی را به عنوان کامل‌ترین نوع خودشناسی برگزیده‌ایم.

در ادامه به نقد و بررسی دیدگاه کسانی که منکر امکان خودشناسی شده‌اند، پرداخته و امکان و دست‌یابی به مراحل پایین خودشناسی را امری ضروری و غیر قابل انکار دانسته‌ایم.

در فصل چهارم، در ابتدا به اقسام شناخت اعم از حسی، عقلی، قلبی و وحیانی اشاره شده و پس از آن به تبیین تفاوت میان ادراک حصولی و حضوری پرداخته‌ایم.

در ادامه‌ی این فصل ضمن بیان این که دین مبین اسلام، دیدگاه خاصی در باب «خودشناسی» دارد و روش دست‌یابی به این امر مهم را مسکوت نگذاشته است، به بررسی روش رسیدن به خودآگاهی دینی پرداخته و «توجه دائمی به خدا و خالی نمودن قلب از هر آنچه غیر خداست» را به عنوان تنها راه رسیدن به خودآگاهی انتخاب کرده‌ایم.

و در فصل آخر تحت عنوان «خدا در آینه‌ی خودآگاهی» ابتدا به بیان ضرورت پرداختن به خودشناسی جهت نیل به خداشناسی پرداخته و در ادامه چگونگی راه‌یابی از



شناخت خود به شناخت پروردگار متعال را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.

از آن‌جا که نفس انسانی به گونه‌ای است که ذات و صفت و فعلش، مثال و نمونه‌ای از ذات و صفت و فعل خدای متعال است، بر این اساس در پایان این فصل تلاش کرده‌ایم که با نگاه کردن در آبنه‌ی «خویش» به گوشه‌هایی از صفات جمال و جلال الهی دست یابیم.

در پایان توجه خوانندگان محترم را به این نکته جلب می‌نمایم که با توجه به گستردگی مباحث «معرفت‌النفس» و برای جلوگیری از پراکندگی و طولانی شدن مباحث، در بسیاری از مسایل فلسفی مربوط، به پذیرش آن به عنوان اصول موضوعه اکتفا کرده و در زیر نویس‌ها به دلایل و منابع آن‌ها اشاره نموده‌ایم. البته آنچه برای نگارنده بسیار مهم بوده، روشن شدن حقیقت امر و دست‌یابی به یک یقین نسبی در پاسخ پرسش‌های پیشین است، لذا در برخی موارد برای اتقان در پاسخ‌ها به شواهد و استنادات قرآنی و روایی اکتفا شده است.

در ضمن، نگارنده در میان آثار محققان و اندیشمندانی که در زمینه‌ی «معرفت‌النفس» اظهار نظر نموده‌اند، از آثار مرحوم ملاصدرای شیرازی، علامه طباطبایی، علامه شهید مطهری و علامه حسن‌زاده‌ی آملی بیش از دیگران بهره جسته و در نگارش کتاب مورد توجه قرار داده است. هر چند آثار دیگر پژوهش‌گران و نویسندگان را نیز از نظر دور نداشته و به فراخور مباحث، مورد استفاده قرار داده است.

در این‌جا لازم می‌دانم از همه‌ی عزیزانی که این‌جانب را در تهیه، نگارش و چاپ این اثر یاری نمودند، بالاخص حجت الاسلام دکتر جعفر شانظری، جناب آقای دکتر محسن جوادی، حجت الاسلام دکتر احمد عابدی و حجت الاسلام محمد عمومی که این رساله را از نظر گذرانده و حقیر را از نظرات عالمانه‌ی خویش بهره‌مند ساختند، صمیمانه تشکر نمایم.

همچنین از زحمات خالصانه‌ی پدر و مادر عزیزم که از هیچ کوششی در راه ترقی و تعالی این حقیر فروگذار نکرده‌اند، همچنین از تحمل و همراهی همسر مهربانم در تدوین و نگارش این کتاب تشکر و قدردانی نموده، توفیق روزافزون ایشان را همراه با سلامتی و طول عمر از خداوند سبحان خواستارم.

در پایان از دیگر عزیزانی که به هر نحو نقشی در نگارش و یا چاپ این اثر داشته‌اند، به ویژه برادران گرامی آقایان رحمت شایسته‌فرد، رضا قاسمی و مختار رنجکش که قبول زحمت کرده و مقدمات چاپ و انتشار این کتاب را فراهم نمودند، خالصانه سپاس گزارم.

امید آن که خداوند متعال و معلم قرآن همه‌ی ما را در شناخت «خویشتن» که بهترین و کوتاه‌ترین راه شناخت جمال و جلال اوست، موفق گرداند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

محمد صالح طیب‌نیا